[خیمه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/6023) [مرداد 1382- شماره 5](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6023/6624/0)

**تاریخچه ی تبلیغ و منبر**

**حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدناصر رفیعی**

|  |
| --- |
| نخستین نوشتار از این مجموعه را به بحث پیرامون اهمیت وعظ و نصیحت اختصاص دادیم. در این گفتار، تاریخچه ی تبلیغ و دعوت را به صورت گذرا مورد بررسی قرار می دهیم. قبل از پرداختن به این تاریخچه، ارایه ی تعریفی از تبلیغ، خالی از فایده نیست.  «تبلیغ» به مفهوم عام آن، عبارتست از: «روش یا روش های به هم پیوسته (در قالب یک مجموعه) برای جهت دادن به نیروهای اجتماعی و فردی، از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید، و احساسات افراد، به منظور رسیدن به یک هدف مشخص، که ممکن است سیاسی، نظامی، فرهنگی و... باشد.­1»  در تعریف دیگر آورده اند: «تبلیغ عبارت است از: انتقال فکر، به جهت تأثیرگذاری بر افکار و اعمال دیگران و نیل به مقاصد خاص، با استفاده از ابزار و شیوه های گوناگون در زمان و مکانی محدود.»2  در این تعاریف، «تبلیغ» به معنای عام آن، که در لغت عرب با واژه هایی چون: «دعوت»، «اعلام»، «دِعایه» و در فرهنگ غربی با واژه ی « ­Propagand » معادل است، شناسانده شده است؛ امّا «تبلیغ» در فرهنگ اسلامی از منظری خاص معرفی شده؛ از جمله «هو اعلاء کلمة اللّه فی کل بکافة وسائل الاتصال المناسبة لکلّ عصر والّتی لا تناقض مقاصد الشریعه الاسلامیه؛ برافراشتن کلمه ی توحید در هر زمان با هر وسیله ی ممکن و مناسب آن عصر، که با مقاصد و اهداف شریعت اسلامی در تناقض و مخالفت نباشد.»3  با گذر از تعریف اجمالی «تبلیغ»، پیشینه ی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. گذشته ی «تبلیغ» و «منبر» از تاریخ هیأت بشری جدا نبوده است و ریشه در هبوط حضرت آدم به زمین دارد. از آن جا که حجّت خدا همواره روی زمین وجود داشته و از طرفی، انسان موجودی متفکر، اجتماعی و دگرگِراست، همچنین رشد و کمال شخصیت خود را در سلامت جامعه و جلوگیری از انحرافات می داند، از هر وسیله ی ممکن برای القای فکر خود به دیگران و باز داشتن دیگران از ضربه زدن به جامعه، استفاده می کند.  امام علی(ع) در مورد عهد و میثاق الهی با فرزندان آدم، در رساندن رسالت خداوندی می فرماید:  «واصطفی الله - سبحانه - من ولده انبیاء اخذ علی الوحی میثاقهم و علی تبلیغ الرسالة امانتهم لما بدّل اکثر خلقه عهداللّه الیهم فجهلوا حقه واتّخذوا الازاد معه؛ خداوند سبحان از فرزندان آدم، انبیاء را برگزید و بر وحی و تبلیغ رسالت از آنان پیمان گرفت، تا رسم امانت نگه دارند، آنجا که بیشتر مردم، عهد خدا را دگرگون ساخته، حق او را نادیده گرفته و به همراه او شریکان گرفته اند.»4  دعوت و هدایت، از زمان آدم ابوالبشر آغاز شده است تا بعثت حضرت محمّد(ص) هزاران پیام آور در عرصه ی ارشاد و هدایت، گام برداشته اند «و لقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان اعبدوا اللّه واجتنبوا الطّاغوت؛ ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم، با این هدف که خدا را پرستش کنند و از طاغوت، اجتناب نمایند.»5  قرآن کریم و روایات ائمه ی معصومین(ع) دهها شیوه ی تبلیغی از انبیا و پیامبران ذکر می کند. آنان علاوه بر دعوت مشترک به توحید، معاد و اصول اخلاقی، بر جنبه های خاص نیز تکیه داشته اند. در دعوت ابراهیم (ع) تکیه بر مبارزه با بت پرستی و شرک، در دعوت شعیب(ع) مبارزه با بدعت اقتصادی، در دعوت صالح(ع) مبارزه با دنیازدگی و اشرافری گری، در دعوت لوط(ع)، مبارزه با انحراف جنسی و اخلاقی، در دعوت موسی(ع) مبارزه با استضعاف، استکبار و برقراری اصلاحات سیاسی، در دعوت یوسف(ع) مدیریت الهی، در دعوت سلیمان(ع) سیاست و حکومت داری، در دعوت عیسی(ع) زهد و اخلاق و... مطرح شده است.  پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام نیز، «تبلیغ» بویژه در شکل «خطابه» و «منبر»، یکی از ابزارهای اصلی انتقال معارف اسلامی بود، خطبه های ارزشمند امام علی(ع)، سخنان گهربار ائمه ی معصومین در مناسبت های مختلف و تشکیل جلسات علمی و موعظه، مبیّن این اهتمام است. این نکته نیز قابل ذکر است که پس از واقعه ی کربلا به توصیه ی امامان(ع) موضوع عزاداری حضرت سیّدالشهدا(ع) نیز به تبلیغ شیعه، جهت خاص داد؛ حوزه ی شناخت و عمل با حوزه ی عاطفه در هم آمیخته شد.  «تبلیغ» و «خطابه» در طول تاریخ تا امروز، دستخوش تحولات فراوان بوده است؛ امّا اساس و بنای آن، بویژه در قالب «منبر»، اصالت خود را حفظ نموده و در فراز و نشیب های مختلف تاریخ، مورد استفاده قرار گرفته است. فرآیند «تبلیغ» در بردارنده ی عناصر مبلّغ، مخاطب (جامعه ی تبلیغی)، موضوع، شیوه، ابزار، هدف، زمان و مکان است؛ که هر یک در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.  **پی نوشت:**  1- مختصری از مبانی تبلیغات؛ ستاد خارجی دهه ی فجر، ص 7.  2- نخستین نام در شناخت تبلیغ؛ انتشارات هفتمین کنفرانس اندیشه ی اسلامی، ص 15.  3- وسائل الاعلام و اثرهای وحدة الاجد، ص 44، محمّد موفق لغلایینی.  4- خطبه ی اول نهج البلاغه.  5- سوره ی نحل / 37. |